

مردسالاری و موضع فمینیستی زنان در یکی از رمان‌های مریم جهانی و ردپای آن در نقاشی‌های ایرانی

چکیده

مردسالاری از مفاهیم کلیدی گرایش‌های فمینیستی به‌شمار می‌آید. فمینیست‌ها معتقدند که در جامعهٔ مردسالار، مردها قدرت و حاکمیتی برتر نسبت به زن‌ها دارند. آن‌ها علت فرودستی زنان را در جامعهٔ مردسالار، در دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت، تقسیم نابرابر امتیازات اجتماعی و روابط نادرست مرد و زن می‌دانند. مسألهٔ مردسالاری در متون ادبی بازتاب چشم‌گیری دارد. آثار زیادی به‌ویژه در حوزهٔ رمان‌نویسی با این رویکرد نوشته شده‌اند. نخستین اعتراض و نقدها به این نابرابری را زنان وارد حوزهٔ ادبیات کردند. در میان نویسندگان زبان فارسی، مریم جهانی رمان «این خیابان سرعت گیر ندارد» را با نگاه فمینیستی نوشته است. نموده‌ها و شاخصه‌های فمینیستی این رمان نخست به خاطر زن‌محور بودن، سپس گرایش ستیزه‌جویانه این رمان با نظام مردسالاری، آن را در ردیف رمان‌های فمینیستی قرار داده است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به‌رشتهٔ تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مریم جهانی، عوامل سلطه در نظام مردسالاری و شیوه‌های مبارزه زنان را در آن به‌نیکی تصویر کرده است. عواملی که از فرهنگ و سنت برخاسته در این رمان در تقابل با نوگرایی فمینیستی قرار گرفته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی کنش‌های ضد مردسالاری در رمان «این خیابان سرعت گیر ندارد» از مریم جهانی.
۲. بررسی مسئلهٔ مردسالاری جامعهٔ ایران با تکیه بر نقاشی‌های ایرانی.

سؤالات پژوهش:

۱. کنش‌های فمینیستی چه جایگاهی در رمان «این خیابان سرعت گیر ندارد» از مریم جهانی.
۲. در نقاشی‌های ایرانی چه نشانه‌های از مردسالاری و فمینیسم وجود دارد؟

واژه‌های کلیدی: مردسالاری، فمینیسم، زن، جهانی.

مقدمه

مردسالاری تعبیر جدیدی از نظام پدرسالاری است که بیشتر پایه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد و سبکی از روابط خانوادگی را نشان می‌دهد که در آن، پدر در کانون سلطه قرار دارد، مرد حاکم و زن تابع است و اختیار تامی ندارد. نظام مردسالاری «منعکس‌کننده تجربه‌ها، ارزش‌ها و علایق مردان به‌عنوان یک گروه و محافظ، حق انحصاری آنان است» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۹). پدرسالاری و حتی زن‌سالاری در فرهنگ جوامع دیرین، سنت عادی و پذیرفته شده‌ای بود اما در جامعه مدرن مسأله حقوق زن، روابط زن و شوهر، حق مالکیت زن، تحصیل و اشتغال زنان، فعالیت سیاسی و اجتماعی زن، به‌ویژه در یک تفسیر فمینیستی، مسئله مردسالاری را در کانون توجه قرار داده است و آن را تا حد یک گفتمان و کلان‌روایت به یکی از مسائل و اشتغالات فکری تبدیل کرده است. تقابل زن و مرد، فروپاشی خانواده، آسیب‌های اجتماعی، مشکلات فرهنگی و زبان‌های اقتصادی، از جمله پیامدهای حساسیت به مردسالاری به‌شمار می‌آید. فمینیست‌ها مردسالاری را نه تنها به‌عنوان یک پدیده جامعه مدرن بلکه یک مسأله تاریخی قلمداد می‌کنند. «مردان در طول تمام تاریخ، بر زنان اعمال قدرت نموده‌اند» (سجادی، ۱۳۸۴: ۱۴). به باور فیمینیست‌ها «تمدن بشری، مردسالار و تحت کنترل مردان بوده و مفاهیم جنسیت، برساخته تمدن مردسالار است؛ چنان‌که سیمون دو بووار می‌گفت: فرد، زن به دنیا نمی‌آید بلکه تبدیل به زن می‌شود، به همین سبب، در فرهنگ ما، مذکر با صفاتی هم‌چون فعال، غالب، دلیر و عاقل تعریف می‌شود و مؤنث با صفات منفعل، تسلیم شونده، ترسو، احساساتی و مقید شناخته می‌شود» (صادقی شهپر و طالبی، ۱۳۹۴: ۱۲۵). مسئله مردسالاری در متون ادبی بازتاب و حضور چشم‌گیری دارد. از آنجایی که اولین معترضان به این نابرابری زنان بودند. خودشان نیز دست به قلم برده و این اعتراض و انتقاد را وارد حوزه ادبیات کردند (سلدن، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

نشان دادن گرایش فیمینیستی مردم در رمان‌هایی که کوشیده‌اند جایگاه زن را به‌شیوه‌ای متفاوت‌تر نشان دهد و قهرمانان آن‌ها اغلب زنان هستند، موجب آشنایی با طرز فکر و رفتار مردم بخش بزرگی از دنیا در قرن بیستم با «زن» و جایگاه او واحد بود. در گفتگوی غالباً زنانه «رمان این خیابان سرعت گیر ندارد»، عناصر مردسالاری برجسته می‌شوند. فراوانی این پارادایم، می‌تواند حس کنجکاوی هر پژوهنده‌ای را برانگیزد تا چگونگی این موضوع را بررسی کند. در گام نخستین این پژوهش، عوامل سلطه بر زنان در نظام مردسالاری، سپس شیوه‌های مبارزه زنان با مردسالاری، بررسی گردید. با این وصف، پرسش پژوهش حاضر چنین خواهد بود: ۱- عوامل سلطه مردان بر زنان در نظام مردسالاری در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد، کدامند؟ ۲- روش‌های مبارزه زنان با مردسالاری در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد، چیستند؟ این پژوهش از نوع نظری و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی شمرده می‌شود. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که بررسی کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع، و رمان این خیابان سرعت گیر ندارد را دربر می‌گیرد. از روش تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها و شواهد استفاده شده است. نتایج بررسی در ذیل دو عنوان شاخص، جمع‌بندی شده است.

در مورد نقد فمینیستی، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است اما دربارهٔ مردسالاری - به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مورد توجه فمینیسم، می‌توان به مقالهٔ «نمایشی از آن دیگری: بررسی مردسالاری با خوانشی فمینیستی در چند نمایش‌نامه از بهرام بیضایی»، نوشتهٔ فرجیان، دهقان و دشت‌پیما (۱۳۹۸) اشاره کرد. مقالهٔ «تحلیل مردسالاری و برون همسری در شاهنامه براساس اسطورهٔ آفرینش» (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۴) نیز موضع مشابهی دارد که نویسندگانش عوامل نشان‌دهندهٔ زیرساخت مردسالاری را در شاهنامه بررسی کرده‌اند و نگاه مردسالارانه در شاهنامه را به خاستگاه اسطوره‌های آن و باورهای باستانی نسبت داده‌اند. برخی از ویژگی‌های فمینیستی در مقالهٔ «تحلیل ساختارشنکی و تقابل‌های دوگانه در رمان این خیابان سرعت‌گیر ندارد»، به‌وسیلهٔ رحیمی و همکاران مورد اشاره قرار گرفته است. اما مردسالاری در این در رمان حاضر به‌صورت مستقل بررسی نشده است.

نتیجه‌گیری

رمان‌های مریم جهانی به‌طور ویژه «زن» را در کانون توجه قرار می‌دهند. زنان «این خیابان سرعت‌گیر ندارد» قهرمان اصلی و درعین‌حال، قربانیان حقیقی نظام مردسالاری هستند. عوامل پیدایی و گسترش مردسالاری و تنوع روش‌های مبارزه با مردسالاری، آن را در ردیف رمان‌های فمینیستی قرار داده است. در این رمان، زنان در سیطرهٔ نظام مردسالاری خشن و ستمگر اسیرند، و به آنان به‌چشم «دیگری» نگریسته می‌شود. آن‌ها پیوسته در معرض تهدیدند و به هیچ تکیه‌گاهی اعتماد ندارند. پدر شهره، بابک، حامد، مسافران مرد امر و نهی‌کننده و پسران تکه‌پران، به‌عنوان نماد و نمایندگان مردسالاری‌اند. درحالی‌که ارزش‌گذاری جامعه و گفتمان تاریخی مردانه، فرودستی زن را تقویت و بازآفرینی می‌کند؛ زنان نیز با پذیرش خود به تداوم آن یاری می‌رسانند. پدیدهٔ مردسالاری در رمان این خیابان سرعت‌گیر ندارد، به چالش کشیده می‌شود. کثرت و تنوع روش‌های مبارزه با مردسالاری و مطالبات حقوقی، نشانی از آگاهی زنان و گرایش فمینیستی است که در جامعهٔ و دورهٔ مورد نظر نویسنده رشد می‌یافته است. بررسی عناصر مردسالاری در رمان مورد مطالعه، تبعیض جنسیتی را زمینه‌ساز مهم سلطه مردسالاری نشان می‌دهد؛ برساختهٔ فرهنگی و پذیرش زنان بر گسترش آن یاری می‌رساند تا اینکه دایرهٔ اختیارات «زن» را تنگ‌تر و نقش او را محدودتر کند. مبارزه با چیرگی مردسالاری برای کسب امتیاز و به‌دست‌آوردن بخشی از حقوق زنان در رمان مورد مطالعه، با انگیزهٔ استقلال‌طلبی تقویت می‌شود و کنش‌های شخصیت‌های رمان قدرت مورد نظر نویسنده از زنان را ترسیم می‌کند. این امر در دفاع حقوقی، فرهنگی و فعالیت زنان اجتماعی نمود می‌یابد. مسائل موجود در رمان جهانی، نمودار واقعیت‌های جامعهٔ بزرگ در مقیاس کوچک‌تر است. این واقعیت‌ها به دورهٔ تاریخی خاص اختصاص ندارد و روایتی از یک گفتمان دیرینه و دیرپاست. زیرا فرودستی زنان، بر استثمار اقتصادی و تصاحب رایگان نیروی کار، به حاشیه راندن از حضور و فعالیت اجتماعی و تقدیس سکوت و تسلیم او اتکا دارد و این امر در ایدئولوژی‌ای نهفته است که در آن باور به مقام «زن» هم‌چون «دیگری» در مقابل «مردانگی»، یک معیار مسلم در روابط انسانی تلقی می‌شود.

منابع

ایبرمز، ام. اچ و گالت فرهم، جفری. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان. تهران: رهنما. برونل، پیپر؛ پیشوا، کلود و روسو، آندره میشل. (۱۹۹۶). ما الأدب المقارن. ترجمه: غسان السید، دمشق: دار علاءالدین. بستان، حسین. (۱۳۸۲). نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. ج ۲، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه. جهانی، مریم. (۱۳۹۷). این خیابان سرعت گیر ندارد. چاپ سوم، تهران: نشر مرکز. دوبوووار، سیمون. (۱۳۸۲). جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی. جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: توس. رودگر، نرجس. (۱۳۸۸). فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. سلدن، رامن و یدوسون، پیتر. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو. ستاری، رضا و حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۴). «تحلیل مردسالاری و برون همسری در شاهنامه براساس اسطوره آفرینش». جستارهای نوین ادبی، شماره ۱۸۸، صص ۱۰۸-۸۷. سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). «فمینیسم در اندیشه پست‌مدرنیسم». فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۸ (۲۹)، صص ۳۸-۷. صادقی شهپر، طالبی؛ رضا و فاطمه. (۱۳۹۴). «نقد فمینیستی نمایشنامه‌های بهرام بیضایی». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱۹، ۱۲۳-۱۴۸. طسوجی، عبداللطیف. (۱۳۹۱). هزار و یک شب. چاپ دوم، تهران: انتشارات طلایی. کرامتی، معصومه. (۱۳۹۰). «تبیین ملاحظات جنسی و جنسیتی در ارزش‌شناسی فمینیسم اگزیستانسیالیسم و اسلام (مبانی - اصول و روش)، ارائه راهبردها». فصل‌نامه شورای فرهنگی زنان، شماره ۵۲، صص ۲۸۷-۲۲۵. مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. میرحسینی، زیبا. (۱۳۹۲). «بالاخره این دانش و تاریخ از آن کیست؟». مجله زن نگار، نشریه پژوهشگران و کنشگران مطالعات زنان، شماره ۱۴، صص ۹-۵. هام، مگی. (۱۳۸۲). فرهنگ نظریه‌های فمینیستی. ترجمه: فیروزه مهاجر، تهران: توسعه. یزدانی، عباس. (۱۳۸۸). فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

Windt- Val, B. (۲۰۱۲). "personal Names and Identity in literary contexts", *Olso studies in language* ۴ (۲), pp. ۲۷۳-۲۸۴.
 Malkin, I. (۱۹۸۷). *Religion and Colonization in Ancient Greece*. New York. E.J. Brill.
 Watzlawik, M. (۲۰۱۶). "First Names As sings of personal Idetty: An Intercultural comparison", *Psychology ^ society*, Vol. ^ (۱), pp. ۱-۲۱.
 Luby, Brittany, K. Labelle, and A. Norman. (۲۰۱۶). "(Re)naming and (De)colonizing the (I?)ndigenous People(s) of North America – Part I" Retrieved from <http://activehistory.ca/۲۰۱۶/۱۱/renaming-and-decolonizing-the-indigenous-peoples-of-north-america-part-ii/>